قابلیت‌های درخت مقاوم أرس برای گسترش جنگل

راه نجات جنگل در کوهپایه البرز

[جانعلی فتحی]

أرس درختی ۲ پایه از خانواده سرو، یکی از معدود سوزنی برگ های بومی شمال ایران و درخت مقاوم و زیبای مناطق جنگلی و کوهستانی بویژه شمال کشور محسوب می شود.

ناحیه رویشی این درخت از غرب تا شرق در امتداد دامنه های جنوبی رشته کوه های البرز و از شمال غربی تا جنوب در امتداد ارتفاعات البرز و زاگرس است.

صبر و مقاومت در برابر خشکی و سرما، قابلیت رویش در ارتفاعات بیش از ۳ هزار متری از سطح دریا و سرسبزی از ویژگی های این درخت زیباست که توسعه کاشت آن در ارتفاعات، روند فرسایش خاک را در کشور کاهش می دهد.

ارس (Persian Juniper) درختی کوهستانی، با ارتفاع ۷ تا ۱۰ متر، برگ های فلسی، میوه های ارغوانی رنگ و قطر ۸ تا ۱۲ سانتی متر به ۲ صورت درختچه های پراکنده در برخی از مناطق شمال از جمله جاده لوشان، هراز، جاده چالوس در دل سنگ ها و صخره ها، قابل مشاهده است. زیستگاه اصلی ارس، مناطق بنه بادام بوده و اکنون در بسیاری از مناطق کشور جز درختچه هایی پراکنده، چیز دیگری از آن دیده نمی شود.

به اعتقاد جمعی از کارشناسان منابع طبیعی غرب مازندران، تکثیر و کاشت نهال این درخت باید در توسعه جنگلکاری و احیای جنگل های مخروبه مورد توجه قرار گیرد.

به اعتقاد این کارشناسان از آنجایی که ارس در جاهایی قابلیت رشد دارد که درختان دیگری نمی رود، بنابراین غرس این درخت تا حد زیادی در پایداری خاک و جلوگیری از فرسایش وتخریب خاک درمناطق کوهستانی مؤثر است.

عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل ومرتع کشور می گوید: احیای جنگل ها از طریق کاشت نهال ارس ضروری است.

مصطفی خوشنویس می افزاید: ارس یکی از گونه های خاص مناطق کوهستانی است که در ارتفاع بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ متر از سطح دریا دیده می شود. وی اظهار می دارد: این گونه حتی در ارتفاع ۳ هزار و ۹۰۰ متری نظیر فیروز کوه نیز مشاهده شده است.

وی خاطرنشان می کند: این گونه دیر زیست که پایه کهنسال زیادی از آن در کشور یافت می شود، جنبه تقدس دارد.

به گفته خوشنویس، درخت ارس از نظر آبخیزداری اهمیت زیادی دارد و می تواند در مناطق کم آب و خشک نیز رشد کند.

وی می افزاید: این گونه قادر است پس از ۵ تا ۶ ماه بدون نیاز به آب، فصل خشک را تحمل کند.

این عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات جنگل و مرتع کشور ادامه می دهد: اگر منطقه ای با این گونه درختی احیا شود، پوشش سبز آن برای هزاران سال تأمین می شود.

خوشنویس تصریح می کند: ارس، چوب صنعتی خوبی ندارد ولی در برابر آفات و پوسیدگی بسیار مقاوم است. وی خاطرنشان می کند: در حال حاضر تکثیر درخت ارس از طریق بذر انجام می شود ولی از طریق قلمه زنی نیز می توان آن را تکثیر کرد.

به گفته او توسعه کاشت ارس در مناطق کوهستانی و با ارتفاع زیاد در تثبیت خاک و جلوگیری از فرسایش خاک مؤثر است.

خوشنویس می گوید: اکنون این گونه سوزنی برگ در قسمت هایی از مناطق شمالی و شمال شرق مانند باجگیران، لاین، آذربایجان شرقی و غربی رویشگاه های وسیعی دارد. معاون آموزشی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس می گوید: ارس، یکی از ۴ گونه سوزنی برگ موجود در جنگل های کشور است که ارزش بالایی دارد.

سید محسن حسینی می گوید: ۴ گونه سوزنی برگ نظیر زربین، سرو خمره ای، سرخدار و ارس در کشور وجود دارد و بقیه گونه های موجود درختان در جنگل ها، پهن برگ است. وی می افزاید: گونه های مختلف درخت ارس، نظیر سابینا، آکسیدروس، کمونیس، پلی کارنوس از دیگر گونه های با ارزش و با اهمیت هستند.

از آنجایی که ارس در جاهایی قابلیت رشد دارد که درختان دیگری نمی‌رود، بنابراین غرس این درخت تا حد زیادی در پایداری خاک و جلوگیری از فرسایش وتخریب خاک درمناطق کوهستانی مؤثر است

این استاد منابع طبیعی می گوید: ارس در جا هایی مانند شکاف سنگ ها و صخره ها قابلیت رشد ندارد.

به گفته حسینی این گونه بسیار مقاوم ولی بدون وجود خاک نمی تواند زندگی کند، بنابراین باید برای توسعه کاشت آن برنامه ریزی شود.

وی می گوید: توسعه کاشت این گونه در توسعه جنگل کاری و جنگل های مخروبه به عنوان یک اولویت باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

معاون آموزشی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تربیت مدرس واقع در شهرستان نور تصریح می کند: سبز کردن بذر این گونه از جمله مشکلات ما است زیرا برخی حشرات از مغز بذر آن، تغذیه می کنند.

این استاد دانشگاه می افزاید: تحقیقات نشان داده که بذر این درخت برای سبز شدن در ایران باید تا ۲ سال در لایه های برف باشد تا قوه نامیه آن به دست آید.

حسینی خاطرنشان می کند: اکنون این گونه به صورت تک پایه و پراکنده در کشور وجود دارد که باید برای توسعه آن تلاش جدی تر شود.

پژوهشگر مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران می افزاید: در حوزه آب و هوایی شمال ایران درخت ارس زیادی وجود ندارد.

یوسف گرجی بحری می گوید: به ندرت تک گونه های این درخت در برخی از حوزه ها نظیر گرگان و مینودشت وجود دارد.

وی می گوید: در نیمه جنوبی رشته کوه البرز مانند جاده کرج نمونه هایی از این درخت که در مقابل سرما و خشکی مقاوم است، مشاهده می شود. گرجی بحری خاطرنشان می کند: این گونه برای توسعه جنگل در سایر مناطق کشور مفید است و تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است.

وی تصریح می کند: گونه های درختی متنوع دیگری درشمال وجود دارد که باید برای توسعه جنگل کاری مورد توجه قرار می گیرد.

این پژوهشگر می افزاید: انواع افرا، بلوط، ممرز، از جمله نمونه هایی هستند که برای توسعه و احیای جنگل در مناطق شمال است. در جنگل های ۱/۸ میلیون هکتاری شمال ۹۱ گونه درختی و ۲۱۱ گونه درختچه ای وجود دارد.

داستان ها و ترانه های کرمانی

آداب و رسوم و عقاید و عادات اقوام، نماینده تفکر و خصوصیات آنهاست. بیشتر از این رهگذر است که می توان روحیه خاص هر ملت را دریافت. درباره افسانه های کرمانی باید گفت که برخی از افسانه ها یا ترانه ها ممکن است خالص باشند و برخی دیگر ترکیبی هستند از افسانه های رایج در سایر نقاط کشور. منتهی در طی سالیان متمادی با لهجه و طرز تفکر و محیط زندگانی مردم ممزوج و آمیخته شده و به صورتی متفاوت در آمده است.

این شباهت در بین افسانه های دنیا حکمفرماست. داستان فاطی کو از مجموعه داستان های کرمانی است که در واقع همان داستان مشهور سیندرلا است که در اروپا، آمریکا و در شرق آفریقا به صورت های مختلف روایت شده است. در زمینه تحقیق آداب و رسوم این مانع برسر راه قرار دارد که همه بخش های مخصوصی از فولکلور منحصراً مربوط به نوشته و کاغذ و کتابت می شود و هرگز به صورت شفاهی و دهان به دهان آموخته و پخش نمی شود مثل: ثبت تولد در پشت قرآن و نگارش یادگاری روی دیوارها.

مانع دیگر علومی است که به طور شفاهی و دهان به دهان آموخته و پخش می شود، مانند حرکات مربوط به بدن شامل رقص ها، بازی ها و اطوارها.

درباره فرهنگ مردم کرمان دانستنی های توده مردم مد نظر است از جمله: افسانه ها، قصه ها، شوخی ها، ضرب المثل ها، معما ها، آوازها، دعاها، لعنت ها، قسم ها و طعنه ها، از جمله می توان از اتلک تی تتلک و طرز بازی آن، قلقلک که مخصوص بچه های خردسال است و گوساله فنگلی، یاد کرد. عجایب صنعتی دیدم در این دشت که بی جون و رد جون دار می گش(کنایه از می گشت). جواب چیستان گرجین یا خرمن کوب.

● **پختن آش چهارشنبه سوری**

به هر نخود یک قل هواله احد می خوانند و صبح روز چهارشنبه با آن آش رشته می پزند و از خمیر آن آدمک درست می کنند و در آش می اندازند تا ببزد که این آش برای سلامت مفید است. نمونه هایی از قصه ها: مانند بزوگرگو، داستان فاطی کو، قصه رمال باشی، قصه سوسکو، قصه سنگ سمور (صبور)، قصه نخودو، مشکل گشا، قصه پسر پادشاه و پری.

● **اصطلاحات کرمانی**

برخی از مانند ها و اصطلاحات مردم کرمان از این قرار هستند: با «پرنجو» صورتش را سرخ کرده، یا گذار سگ به سلاخونه می افتد، یا مثلاً بو پولش میاد. (پولش، از پولشیدن یعنی سوختن مو و پارچه). از آداب و رسوم و سنن قدیمی یکی یا انداز است. یعنی طرز وارد شدن عروس به خانه داماد، اصطلاحاً آنچه داماد هنگام ورود عروس به خانه اش به او می دهد. معمولاً عروس را در خانه نگه می دارند و پدر داماد می آید و می گوید یک قرآن دارم.

اطرافیان نمی گذارند عروس وارد شود. می گوید یک سفر کربلا هم روش. باز هم اطرافیان راضی نمی شوند. سپس مقداری پول یا طلا می دهد تا عروس و اطرافیان راضی شوند. یا اصطلاح پشت و رو شدن، مخالف و دشمن کسی شدن.

زبان مردم کرمان، فارسی ادبی و دامنه اصطلاحات آن وسیع است. مردم شهر مانند شیرازیان بخش های مفتوح را به کسر تلفظ مردم تهران شنیده می شود. گذشته از این اغلب واژه هایی که میان آنها تلفظ آ است، به او تبدیل می شود. در لهجه کرمانی اختلاف بین تلفظ غین وقاف است. مردم این شهر قاف را آخر حلق و خا تلفظ می کنند.

نکته دیگر در لهجه کرمانی اضافه کردن (و) به آخر پاره ای از اسامی: دختو، سوزنو، ماشینو و در برخی موارد، واژه، دگرگونی عمده پیدا می کند. مثلاً به چروک، «کرچو» می گویند. نکته دیگر تصغیر و تخفیف نام های اشخاص است. مثلا محمد را می گویند: مملو/ غلامحسین (غلو) و... نمونه هایی از ترانه های محلی و قصه های موزون: از کجا میایی، از بندرو، چی بار داره چغندرو - الو شد، بی بی سوار گو شد، لنگ کفشش پرتو شد. درباره غذاهای رایج مردم کرمان: مثلا آب گرم و آرد را با روغن و پیاز سرخ می کنند و بعد از سرخ شدن آب در آن می ریزند و می گذارند تا جوش آید و بعد از افزودن سیب زمینی،تخم مرغ در آن می شکنند. تهرانی ها این غذا را اشکنه می نامند.

از غذا های سنتی دیگر، آبگوشت، اماچو و شله زرد است که به آن ابراهیم خانی می گویند. آش قفا یا که معمولاً پس از رفتن مسافربرای سلامت وی می پزند و به همسایگان و آشنایان می دهند. علاوه بر این، سنت های دیگری نیز وجود دارد. مثلا: در روز ۲۱ ماه مبارک رمضان، قوارهای بلند و کم پهنای کاغذ را به روزه داران می دهند تا هر یک بسم الله الرحمن الرحیم را روی آن بنویسند. بعد از این که چهل بسم الله ... نوشته شد آن را تا می کنند و در جیب می گذارند. اعتقاد عمومی بر ین است که این چهل بسم الله انسان را از خطر و مصیبت نجات می دهد.

روستایی پلکانی در ارتفاعات آذربایجان شرقی

[حجت عبدالرحمانی]

زنوزق یکی از روستاهای پلکانی ایران با ۴ هزار نفر جمعیت است که در مجاورت شهر زنوز قرار دارد. با این که روستای زنوزق به گواه کارشناسان، از بالا ترین پتانسیل بالقوه در مباحث گردشگری برخوردار است، اما گمنامی این روستا به واسطه عدم معرفی مناسب موجب شده است فعالیت های متمرکز برای ارتقای وضع این روستا در مباحث گردشگری بسیار کم رنگ و کم اثر باشد به طوری که این روستا علاوه بر میزبانی گردشگری نامتمرکز حتی به جز موارد نادر مورد بازدید جدی مسئولان قرار نگرفته است.

کارشناسان، با تأکید بر این که این روستا و آثار تاریخی موجود در آن مورد توجه همگان است، معماری ویژه قیزیل کرپ (پل طلایی) و بافت های دیگر تاریخی شهر زنوز و روستا آن را جزو منحصر به فردترین بافت های موجود در روستاهای کشور اعلام می دارند. زنوزق در کنار شهر زنوز در ۳۰ کیلومتری شمال غربی شهرستان مرند واقع است.

خیابان اصلی زنوز را به سمت شرق که طی کنید دورنمای یکی از زیباترین روستاهای ایران با حفظ تمام سنت ها و آیین های خود متجلی می شود. روستایی پلکانی که در تمام حیاط و پشت بام های آن طبق های برگه زردآلو دیده می شود. روستایی که به درختان عظیم سپیدار ختم شده و به وسیله همین پوشش سبز و بلند از دیگر جاذبه های منحصر به فرد منطقه جدا شده است.

صنعت نخست مردم این روستا مانند روستاهای زمهریر و درق تولیدات محصولات سردرختی مانند سیب، زردآلو و گردو است. رمه های گوسفند نیز در گوشه کنار دشت های اطراف روستا دیده می شوند که برای مردم این روستا به منزله ثروتی عظیم محسوب می شوند.

از نخستین کوچه سربالایی روستا به داخل می رویم. کوچه ها و خانه های این روستا به طرز عجیبی هویت تاریخی خود را حفظ کرده اند. شاید اگر هر گردشگری فقط چند قدم در این کوچه ها بردارد و چهره زنان و کودکان را کنار دیوارهای کاهگلی ببیند زمان و تاریخ را فراموش کند. آبی، سبز، نارنجی و گاه قرمز عمده ترین رنگی است که در لباس زنان این روستا به چشم می خورد.

مردمانی سختکوش و خندان. کمتر چهره ای در این روستا را بدون خنده می توان دید. طبیعت و زلالی منطقه، چنان صفایی به مردمان روستا داده است که هر گردشگری را در نگاه نخست به خود جلب می کند.

یکی از کوچه ها را تا انتها پیش می رویم. پیرزنی کنار چشمه ای ایستاده و با بیلی راه آب را هموار می کند. پیش می رویم: سلام مادرجان. نگاهمان می کند و با لبخندی جوابمان را می دهد. قبل از آن که سئوالی بپرسیم، می گوید: «شما جهانگردید.»تعجب نمی کنیم. مردمان این روستا به میهمان نوازی شهره عام و خاص اند. دوباره می پرسد: «کجاها را دیده اید؟ خوشتان آمد؟ غذا خورده اید؟» و چند سئوال دیگر که شاید مجرب ترین راهنماها هم فراموش کنند آنها را از میهمان خود بپرسند.

آن پایین هم درق است. نگاهش را دنبال می کنم. پایین دره ای که در شمال غربی روستا قرار دارد روستای دیگری دیده می شود. روستایی مملو از درختان گردو، سیب، زردآلو و چشمه هایی که صدایشان در تمام منطقه پیچیده بود. یکی از شاخصه های این مکان روستاهای به هم چسبیده بود که همانند نگینی دورتادور زنوزق را فراگرفته اند.

از پیرزن درباره آداب و رسوم آنجا می پرسم: «جشن عروسی و مراسم عزاداری در ماه محرم به علاوه مراسم چهارشنبه سوری، نوروز و اعیاد مذهبی مانند عید قربان و غدیر را مفصل برگزار می کنیم.» از توضیحاتی که می دهد معلوم می شود با بیشتر نقاط ایران در اجرای این مراسم مشترکند.

راه کوچه را پیش می گیریم و به آخرین حیاط روستا در بلندترین نقطه می رسیم. چشم انداز بسیار رؤیایی دارد. با این که توپوگرافی منطقه کوهستانی است اما تا چشم کار می کند افق پیداست. افقی بالاتر از تمام کوه ها و تپه های اطراف شهر زنوز. هم ۴ سوی نگاهمان بی انتهاست. تنها سوی چشمان است که این انتها را مشخص می کند. شاخصه ای که در هیچ کدام از روستاهای ایران وجود ندارد.

زنوزق بی شک از منحصربه فردترین روستاهای تاریخی و طبیعی ایران است. در این روستا خانه هایی دیده می شود که مربوط به دوره های صفوی است. گورستان این روستا نیز حکایت های زیادی دارد. سنگ نوشته هایی در این گورستان وجود دارد که با استناد به خورشیدهای حک شده اش می توان آنها را به دوره های خیلی گذشته نسبت داد.

زنوزق روستایی است که مجموعه عوامل طبیعی و تاریخی آن، می تواند آن را به یکی از ممتازترین روستاها در مباحث فرهنگی و گردشگری تبدیل کند. امری که تا به حال محقق نشده است اما آنچه مشهود است سازمان ها و ارگان های مختلف تلاش های گسترده ای را برای معرفی و رساندن این روستا به جایگاه واقعی خویش آغاز کرده اند.

در برخی جاها از زنوزق با نام ماسوله آذربایجان شرقی نام برده می شود که این قیاس صحیح نیست. با این که ماسوله یکی از زیباترین روستاهای کشور است اما مجموعه عواملی که در زنوزق گردهم آمده اند در هیچ روستایی حتی ماسوله وجود ندارد.

مجموعه جاذبه های طبیعی و تاریخی که در این روستا و مناطق اطراف آن وجود دارد یکی از نادرترین پتانسیل های گردشگری ایران است. از سیب و زردآلو و عسل که هر کدام به عنوان یک شاخصه برای این روستا محسوب می شود بگذریم، کوه ها و تفرجگاه های مستعد فراوانی در حاشیه این روستا وجود دارد که هر کدام به تنهایی در ایام مختلفی از سال پذیرای گردشگران خارجی و داخلی است. کوه های سلدرم، سد زنوز و توپوگرافی اطرافش، باغ زیبای امینی، چشمه های آب معدنی فراوان و دشتهایی در ارتفاع ۲ هزار متری از سطح دریا که اردیبهشت آنها همانند تکه ای جدا شده از بهشت است.

با این که این روستا مورد توجه کارشناسان مختلف قرار گرفته و مسائل حفاظتی درباره بافت تاریخی و روستایی آن رعایت می شود اما تا چندی قبل بدون در نظر گرفتن هویت تاریخی این روستا اقدام هایی برای ایجاد رفاه مردم انجام شده که آسیب جدی به این روستا وارد کرده است. اقدام هایی مانند جدول کشی و آسفالت که در صورت مطالعه بیشتر می توانست به شکل بهتری همگون با بافت طبیعی روستا انجام شود.

با این که بسیاری از کارشناسان معتقدند ثبت این روستا در فهرست یونسکو سال هاست به تأخیر افتاده اما شاید این تأخیر به سود زنوزق تمام شده باشد. در حال حاضر کمتر روستایی در ایران وجود دارد که تمام بافت ها، سنت ها و پوشش های قدیمی خود را حفظ کرده باشد.